IDW COMICS & ENTERTAINMENT

۸۹

سونیک

جوجه تیغی

کاور از ناتالی فوردرین

سونیک
جوجه تیغی

داستان
اوان استنلی

مداد‌کشی
ناتالی هینز

جوهرزنی
مت فریس

رنگ‌آمیزی
لئوناردو ایتو دِ اُلیوِرا

حروف‌نگاری
اِد دوکشایر

ویراستار
رایلی فارمر

دستیار ویراستار
بیکسی متیو

طرح و تولید
جوهانا ناتالی

مترجمین
معین محمد قلی زاده (صفحات ۱-۱۰)
علی ن. شیرجوپشت (صفحات ۱۱-۲۰)

ادیت و ادیت کاور
معین محمد قلی زاده

بنابر ماده: ۲۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفین و مصنفین هرکس بدون اجازه ترجمه: دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد.

@IDWPUBLISHING
IDWPUBLISHING.COM

SONIC Persian

SONIC THE HEDGEHOG #89. SEPTEMBER 2026. @SEGA. All rights reserved. SEGA is registered in the U.S. Patent and Trademark Office. SEGA, the SEGA logo and SONIC THE HEDGEHOG are registered trademarks or trademarks of SEGA CORPORATION. IDW Publishing a division of Idea and Design Works, LLC. Editorial offices: 14144 Ventura Blvd, Suite 210, Sherman Oaks, CA 91423. The IDW logo is registered in the U.S. Patent and Trademark Office. Any similarities to persons living or dead are purely coincidental. With the exception of artwork used for review purposes, none of the contents of this publication may be reprinted without the permission of Idea and Design Works, LLC. IDW Publishing does not read or accept unsolicited submissions of ideas, stories, or artwork. Davidi Jonas, CEO • Andrew DeBaker, CFO • Gregg Katz, General Counsel • Tara McCrillis, President Pub Ops/Associate Publisher • Aub Driver, VP Marketing • Gregg Katzman, Sr. Publicity Manager • Kim Estlund, Publicist • Anthony Mauro, Talent & Events Manager • Ryan Balkam, Director of Sales • Warren Buchanan, Licensing Manager • Heather Antos, Sr. Group Editor • Jake Thomas, Sr. Group Editor • Alonzo Simon, Group Editor • Lauren LePera, Sr. Managing Editor • Shauna Monteforte, Sr. Director of Manufacturing Operations • Jamie Miller, Director Publishing Operations • Jasmine Gonzalez, Director Ecommerce Operations • Alison Quin, Sr. Director IT • Nathan Widick, Director of Design • Neil Uyetake, Sr. Art Director, Design & Production • Darran Robinson, Sr. Art Director • Ted Adams and Robbie Robbins, IDW Founders. For international rights, contact licensing@idwpublishing.com. To purchase ad space contact adsales@idwpublishing.com.

داستان تا به اینجا...

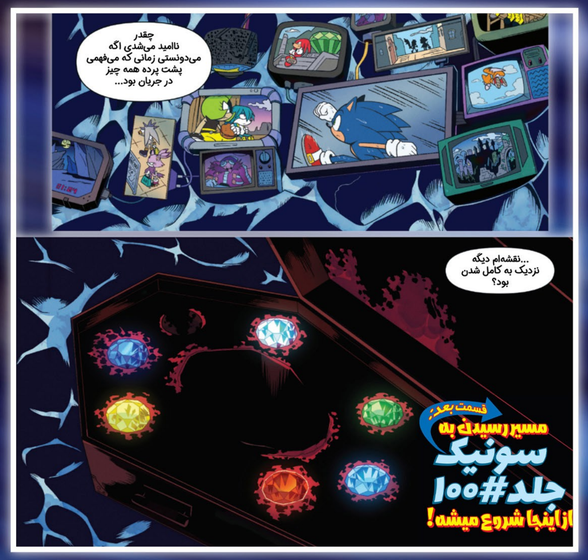

بلیز گربه

شاهدخت با قدرت‌های آتشین.
دوستی از بُعدی دیگر.

سیلور جوجه‌تیغی

قهرمان جوان با قدرت‌های ماورایی.
دوستی از آینده.

در اعماق جنگل‌های سیلوانیا...

قلعه سیلوانیا.

وقتش رسیده،
عزیزای من. اگه همه
با هم کار کنیم، این کار رو
به شکل زیبا انجامش
میدیم!

و همونجوری هم بزن! نباید بذاریم اون سس بیُره!

فقط بهترین‌ها رو برای **ارباب بلک‌وود** می‌خوایم!

حواسم هست، خانم سرپرست!

آهسته و پیوسته کباب کن. اونجوری روش قشنگ کبابی میشه.

البته، خانم سرپرست!

حواست به شکاف باشه وقتی ترولی رو می‌بری روی بالابر. خوب نیست که ظرفی رو از دست بدیم.

بلـه، خـانـم سـرپـرسـت!

اون یه **شاهدختـه!** خودم شنیدم که به ارباب بلک‌وود گفت!

چطوری هستن حالا؟

یه پسر بود با یه **دختر.** و دختره... وای، نمی‌تونم بگم اصلاً!

دِ بگو دیگه!

بگو ببینم، **دیدیشون؟**

مم-همم! کت‌هاشون رو تحویل گرفتم. دو نفرن.

اووووه!

ارباب بلک‌وود فقط لایق **بهترین‌هاست!** اگه اونا متظاهر باشن، **بدجور ناراحت میشه.**

بگو ببینم **تاج** هم داشت؟

ارباب بلک‌وود حتماً تو **پوست خودش** نمی‌گنجه!

هرچقدرم باورنکردنی باشه، حقیقت **داره.** امشب قراره از یه مهمون **سلطنتی** پذیرایی کنیم، دخترا.

واسه همینه که نباید ارباب بلک‌وود و مهمون‌هاش رو **منتظر** نگه داریم! عجله کنید، خدمتکارهای عزیزم!

بله، خانم سرپرست!

تاراق

ای وایِ من!
چه ضربه بَدی بود، عزیزم.

نمی‌تونیم بذاریم بری طبقه بالا اگه شرایطش رو نداری که کار کنی... همونطور که خودت می‌دونی--

اووه...

--فقط **بهترین‌ها** رو برای ارباب بلک‌وود می‌خوایم! من خوبم، می‌تونم برم!

به **این** میگن روحیه!

چقدر تو **سربه‌هوایی**. بهتره **آبرومون** رو جلوی ارباب بلک‌وود و مهمون‌هاش نبری!

نمی-- نمی‌کنم!

کاراکترنگ
پرکج‌شدن

ریلنگ
اون رو بالا می‌بینید؟
خانواده‌ی من این نشان رو از زمانی که این اراضی رو گرفتند و قلعه سیلوانیای اصلی رو بنا کردند برافراشتند.
جد من، بلک‌وود اول، سنگ اول رو با دو دست خودش بنا کرد... آه، ولی زندگی در چنین روزگاری! موافق نیستید، بانو بلیز؟
مم-هممم. البته.
تمام کسایی که این قلعه بهشون ارث رسیده اسمشون بلک‌وود بود؟
اگر اجازه بدید، می‌خوام صحبت مختصری رو با همه در میان بگذارم!
اوه، نمی‌خوام سر شما رو با اون داستان بخصوص درد بیارم، آقای سیلور. ناسلامتی امشب شبِ *شادمانی* هست.

مایه
خرسندی--نه،
افتخار من هست--
که از چنین مهمان
-های **ارجمند**...

وقتی خبردار شدم
که همچین اشخاص
برجسته‌ای
در حال عبور از سیلوانیا
هستند، می‌دونستم باید
داستان‌های شما رو
دست اول بشنوم.

...و، آه،
منحصر بفردی
پذیرایی کنم.

و به همین خاطر،
به سلامتی مهمانانمان،
بلیز و سیلور، به سلامتی
سیلوانیای عزیزم، و به
سلامتی مردمش.

همونطور که **خدمتکاران**
شگفت‌انگیزم، مردمان خوب
سیلوانیا هستند! اونها بازتابی از
تاب‌آوری و افتخار سرزمین ما هستند،
حتی در مواجهه با حقارت‌های
بی‌شمار مدرنیته.

همونطور که مطمئن هستم
می‌دونید، دنیا با کسایی که تلاش
می‌کنند سطح خاصی از **جوانمردی** رو
حفظ کنند، مهربون نیست.

ولی
خانواده بلک‌وود
همیشه **قوی**
بوده.

حالا که اشتهای ما
به اندازه کافی تیز شده...
شام آماده‌ست!

اوه، تا حالا ندیدی؟ یک دستور پخت قدیمی خانوادگی هست...

وای. اون دیگه چیه؟

بعدتر...

با توجه به استعدادهای خاص شما، بانوی من، در نظرم درخور بود.

بله، می‌تونم ببینم.

نمووش

وهووووش

بیچ

با چنگال نون خامه‌ای‌ها رو از تو آتیش بردار، بعد روکش کاراملیش رو با فندق شکن بشکون!

امکانش هست افتخار بدید و یک چشمه از اون‌ها رو به نمایش بگذارید؟

شاید یک وقت دیگه.

الان من باید چه کار کنم با...

خواهش می‌کنم، قربان!
لذت ببرید!

نجاتم دادی.
دمت گرم!

من و سیلور باید زودتر ***راه بیفتیم.***
نمی‌خوایم بیشتر از این مزاحم مهمون‌نوازی
سخاوتمندانه شما بشیم.

اوه نه!
باید شب رو بمونید.
استدعا می‌کنم.

آاخ...

شب‌ها به طور خطرناکی
سرد هست این وقت از سال. خدمه
از قبل اقامتگاه‌های شما رو
آماده کردند...

تلق‌تلوق

کجا... کی؟

اوکیه. گرفتمت.

آه بلند

ششش.
الان وقت جیغ و داد نیست...

وواه،
هی! بهم دست ز-

من خوبم!

تب نداره.
خوبه.

...

فقط آرام باش...

البته. واقعاً خوب به من خدمت می‌کنند.

خدمتکار -هات بدون شک... **وفادار** هستن.

با اون همه هیجان، حتماً زیادی به خودم فشار آوردم...

من **واقعاً** **به شدت** متأسفم، ارباب بلک‌وود!

حتی فکرش رو نکن. برای همه ما شب هیجان‌انگیزی بود. حالا برو، **مرخص هستی!**

ترااوم

هوف...

اوه نه، نـــه!

تشرق

گریه

هل حامل
به من دست نزن!
خانم؟ حالتون خ--
خیلی متاسفم، خانم، من فقط یک ظرفشویم. من شما--
با من شوخی نکن، حاجی! اینجا چه خبره؟!
چی، یه... آشپزخونه؟
صبر کن، من... من تو رو می‌شناسم! جوئی، درسته؟ تو رو تو مرکز جوانان دیدم!
خب خب! یه خانم جوان باید اینطوری حرف بزنه، عزیزم؟

خاله لایکن!

خاله، من نمی‌دونم کجا هستیم، و مدام **از حال میرم.** من-- من فکر کنم سرم بدجور به جایی خورده. اونم **خیلی بد.**

...

نوچ- نوچ-نوچ... اوه، این **قطعاً** خوب نیست...

تو این وضعیت به درد ارباب بلک‌وود نمی‌خوری.

چ-چی--

چاره‌ای نیست، ببریدش **طبقه پایین.**

صبر کنید! بس کنید!

اومف!

چاندکا

آاخ خ-
بهم گوش بده!

تاارق

والی!

گرفتن

امتادن

متأسفم، عزیزم. می‌دونم که این موضوع خیلی ناراحت‌کننده هست. اما واقعاً **باید** بری.

لـطـفـاً...

فقط بهترین‌ها رو برای ارباب بلک‌وود می‌خوایم.

شُشُف

ಛಛಾಲ್ಲ

!!!!ಅಅ

ಹಹಹಹ

ಅಳ ಕಣ್ಣು,
ಅಳ ಕಣ್ಣು,
ಅಳ ಕಣ್ಣು,
ಅಳ--

نزدیک بود!!

...

درسته، من قبلاً خودم رو معرفی نکردم. من سیلورم.

چـی.

می‌خواستم مطمئن شم که حالت خوبه. انتظار نداشتم تو رو، آه، ***این شکلی*** پیدا کنم، ولی خوشحالم که در کل پیدات کردم!

راستی قبلاً اسمت رو بهم نگفتی.

هـاه؟

دپلِ... گوزن. این شبیه یه کابوس ناشی از ضربه مغزی‌یه، درسته؟

یا یه چیزی مثل این، اگه اشتباه نکنم...

منظورم اینه، چه دلیل دیگه‌ای می‌تونه داشته باشه که مدام تو یه ***قلعه فانتزی شکل*** بیدار بشم، جایی که دوستام ***منو نمی‌شناسن***، و ***دارم می‌افتم*** و نجات پیدا می‌کنم، اونم توسط ***تو*** که معلوم نیست چی هستی-- قصد توهین ندارما--و...

...آخخخ، حس می‌کنم الاناست که سرم بترک--

!اااه-

من...
باید خودم...
ببینمش...

دپـــل!

من...من
یـادم اومـد...

دپـل!
صدام رو
می‌شنوی؟!

هـاه؟

تکرا
تکرا

آقا؟
خـدای مـن،
من رو ببخشید--

هی، اشکال
نداره، الان جات
امنه!

قبلاً داشتی
در مورد بیدار شدن تو
یه جای عجیب، و افرادی که
تو رو نمی‌شناسن چی
می‌گفتی؟

ییییاه!

هی، منو اونطوری صدا نکن. من سیلورم، یادته؟

قطعاً، آقای سیلور!

اون شکلی ن--هوف، همینم خوبه.

باشه، باشه. می‌خوای برگردی آشپزخونه، درسته؟ من می‌رسونمت.

اوه! ممنونم، قربان!

این نباید اینطور--**من نباید اینجا**-- او-اوه، من باید تو **آشپزخونه** باشم...

من--من رو ببخشید قربان، من نمی‌دونم، من...

کِی من گ...

هـم؟

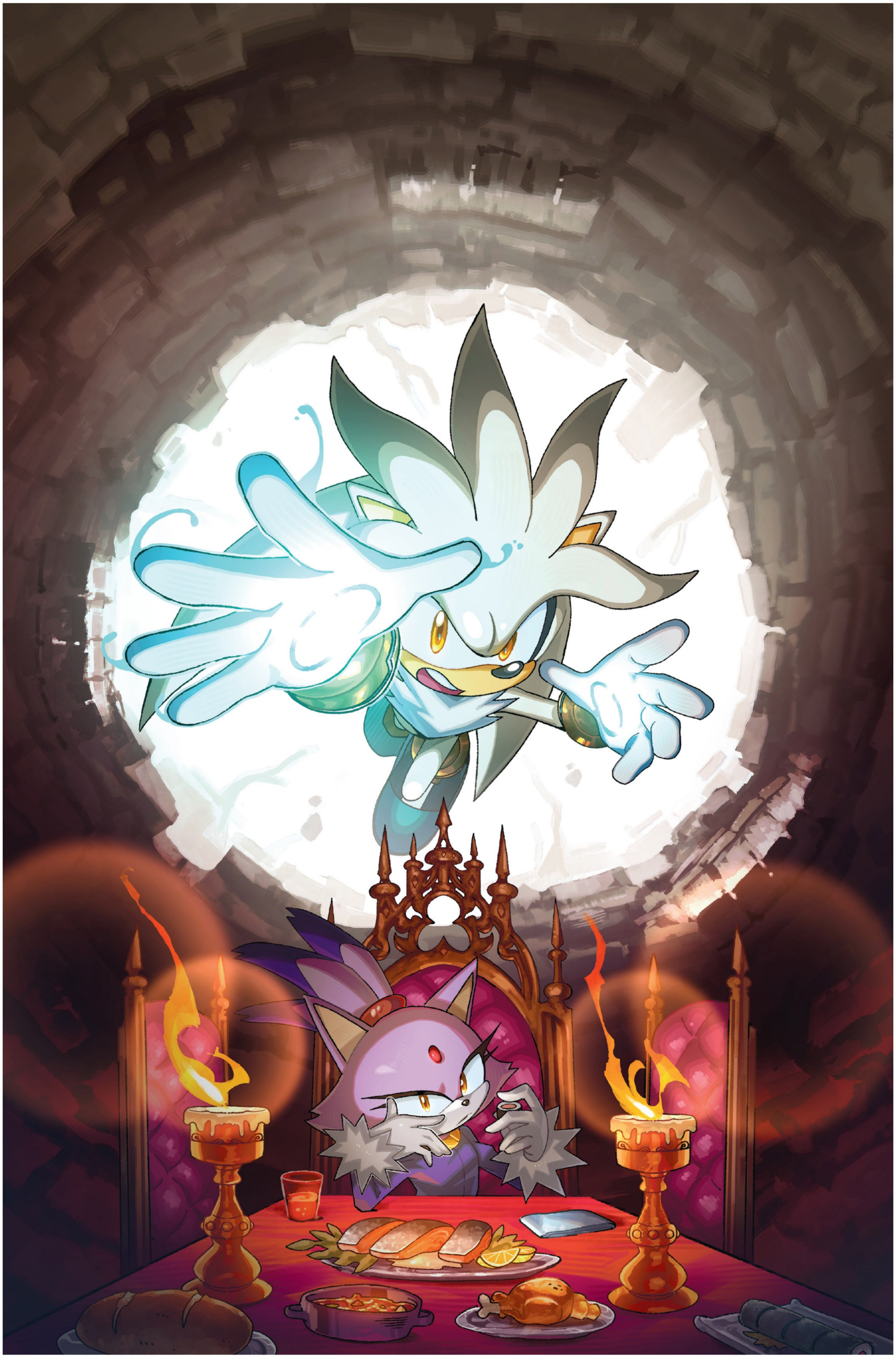

طراحی از مایلز آرکیو

طراحی از ابیگیل آز

طراحی از ناتالی فوردرین